



دانشگاه باقرالعلوم
(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

دانشکده : علوم سیاسی، اجتماعی و تاریخ

رساله جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته : تاریخ

عنوان :

نقش امام صادق (علیه السلام) در بعد علمی تمدن اسلامی

استاد راهنما :

آقای دکتر محسن الویری

استاد مشاور :

آقای دکتر غلامحسن محرمی

نگارش :

سید محسن شریفی

بهمن ۱۳۹۰



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد



دانشگاه باقرالعلوم
(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

دانشکده : تاریخ و علوم اجتماعی

پایان نامه / رساله جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته : تاریخ اسلام

عنوان :

نقش امام صادق (علیه السلام) در بعد علمی تمدن اسلامی

استاد راهنما :

آقای دکتر محسن الویری

استاد مشاور :

آقای دکتر غلامحسن محرمی

نگارش :

سید محسن شریفی

بهمن ۱۳۹۰

تقدیم به

ششمین اختر تابناک امامت و ولایت حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) که در عرصه علم و دانش همچون ستاره‌ای پر فروغ درخشید و راه را برای پیشبرد علم و دانش در عرصه گیتی باز کرد و در طی سالیان متمادی تمدن اسلامی استادی بی‌مانند و جاودانه باقی ماند و هنوز نیز جامعه علمی اسلامی نیازمند بازشناسی آراء و دیدگاه‌های ایشان می‌باشد.

تقدیر و تشکر

سپاس خدای متعال را که بر این حقیر منت نهاد و توفیق داد، تا به عنوان یک کمترین بتوانم در جرگه دانش‌اندوزان علم و حکمتش قرار گیرم و بتوانم این رساله را سامان دهم.

سپس از باب «أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ» بر خود لازم می‌دانم، از پدر و مادر عزیزم که عمرشان را صرف تربیت من در مسیر اهل بیت و دلدادگی به آنها قرار دادند، تشکر و سپاسگذاری نمایم.

همچنین از همسرم که در تمامی مراحل نگارش این رساله، صبورانه در کنار من و همواره مشوقی مهربان و همراه با من می‌باشد، تقدیر و تشکر می‌نمایم.

در ضمن از دقت نظر و رهنمودهای بی‌نظیر و ارزشمند اساتید بزرگوار و گرانقدر **جناب آقایان حجج الإسلام و المسلمین دکتر الویری و دکتر محرمی** که به عنوان استاد راهنما و استاد مشاور در تکمیل

این پژوهش بنده را یاری و مورد لطف خویش قرار دادند، بی‌نهایت سپاسگذارم و از پیشگاه ایزدمنان توفیقات و سلامتی روزافزون برای این بزرگوران خواهانم.

در پایان ثواب این کار که به نیت خدمت به اهل بیت و ائمه معصومین انجام شده، را به روح مرحوم پدرم (حاج سید مصطفی شریفی) که عمرش کفاف نداد، تا به سامان رسیدن این رساله را نظاره‌گر باشد، هدیه می‌نمایم.

چکیده

تمدن به عنوان یک پدیده انسانی، اجتماعی دارای ابعاد گسترده در حیطه‌های مختلف می‌باشد و لزوم وجود اندیشه و دانش برای ساختن تمدن، امری مسلم و اجتناب‌ناپذیر است و بدون آن تمدن بنیان نمی‌پذیرد. در تمدن اسلامی نیز چنین بوده و بعد علمی آن محصول تلاش‌های علمی بی‌شماری در طول تمدن اسلامی

می‌باشد. در این میان امام صادق(ع) با تلاش‌های علمی گسترده خویش و تربیت اصحاب و شاگردان دانشمند، نقش بسیار چشمگیری در این زمینه داشته است. وجود انبوه روایات امام صادق(ع) در منابع شیعه و اهل سنت بیانگر نقش علمی حضرت در زمان خویش می‌باشد، به ویژه که عالمان بزرگ و امامان اهل سنت نیز خود را مفتخر به شاگردی آن حضرت می‌دانند. از طرفی در دوره زمانی امام ورود آثار ملل مختلف، مسلمانان را با چالش عظیم علمی مواجهه کرد که در اینجا نیز امام صادق(ع) با رهنمودهای عالمانه خویش، روش علم آموزی اسلامی را به دانشجویان علم در هر نقطه و با هر گرایش و مذهب آموزش داد، به طوری که تعداد شاگردان مکتب حضرتش را تا چهار هزار و بیشتر دانسته‌اند، همین تلاش‌های امام باعث شد، توجه به علم و دانش به عنوان یک بُعد تمدنی در میان مسلمانان نهادینه شود و بعدها همین شاگردان و نسل‌های بعدی آنها توانستند، با همین بن مایه‌های علمی، در قرون چهارم و پنجم هجری، تمدن اسلامی و به ویژه علم و دانش اسلامی را به اوج شکوفایی برسانند. از این‌رو شناخت نظریه‌های امام صادق(ع) در زمینه چیستی علوم، شکل‌گیری و ترویج آن و نوع نگاه امام براساس روایات و آموزه‌های ایشان، با تکیه بر سیره علمی ایشان در فصول مختلف بیان شده و نقش عملی امام نیز در علوم نقلی، عقلی و طبیعیات با ذکر رشته‌های هر علم به شناخت نقش امام کمک زیادی خواهد کرد که به آن در فصلی جداگانه می‌پردازیم.

کلید واژه‌ها: امام صادق(ع)، تمدن اسلامی، علم و دانش، فرهنگ، علوم اسلامی.

کلیات تحقیق

مقدمه

تمدن به عنوان یک پدیده انسانی، اجتماعی، که دارای ابعاد گسترده در حیطه‌های مختلف می‌باشد، در واقع محصول تفکرات نهفته در ورای آن و یا به عبارتی اندیشه‌های بنیانی و اساسی آن می‌باشد. بدین صورت که لازمه وجود اندیشه و دانش برای ساختن تمدن، امری مسلم و اجتناب‌ناپذیر است و بدون آن تمدن بنیان نمی‌پذیرد. از این رو هر جامعه‌ای که در پی ایجاد تمدن - حتی به صورت مادی و دنیوی - باشد، نیازمند علم و دانش است. لذا بی‌تردید علم و دانش که بنیان اساسی و پشتوانه عظیم تمدنی به حساب می‌آید، نیازمند شناخت دقیق و موشکافانه می‌باشد. از آنجا که این موضوع در هر تمدنی وجود دارد، در تمدن اسلامی نیز نقش علم و دانش از زوایای مختلف قابلیت شناخت بیشتری دارد، و این تحقیق و پژوهش ناظر بر تمدن اسلامی می‌باشد که اساس و بنیان آن از زمان پیامبر(ص) و توسط ایشان نهاده شده است.

به باور همگان این تمدن در طول سالیان متمادی با تاثیر پذیری از مسلمانان به زندگی و حیات خود ادامه داده و گرچه در پاره‌ای از زمان‌ها رو به خاموشی رفته، ولی هیچ‌گاه به صورت کامل محو نشده است. آنچه در این تحقیق دنبال می‌شود، نقش امام صادق(ع) در بعد علمی این تمدن می‌باشد، چرا که تلاش‌های علمی آن حضرت در آغازین سال‌های تمدن و در قرون اولیه هنوز به روشنی بیان نشده است. آنچه حائز اهمیت است، اینکه اسلام با کدامین درون‌مایه‌های تمدنی توانست، چنین تمدنی باشکوه و دین‌مدار را رقم بزند، البته ما در مقام بیان تمام آنها نیستیم، و تنها به مقوله علم و دانش و نقش آن در تمدن اسلامی می‌پردازیم، و به تناسب موضوع خود از نقش علمی امام صادق(ع) خواهیم گفت.

بی‌شک علم و دانش از بن‌مایه‌های اصلی هر تمدن و همچنین تمدن اسلامی می‌باشد و کسی نیست که منکر این مطلب باشد. به ویژه که می‌دانیم، این بذر تمدنی در جامعه‌ای افشاندن شد، که به جهالت، بربریت و بی‌بهره بودن از علم و دانش شهره بود. امیرالمومنین علی(ع) این جامعه را در توصیفی رسا چنین معرفی می‌کند: «انسان‌های به دور از تمدن و جمعی از مردمانی که بدترین عقاید را داشته و در بدترین جایگاه‌ها زندگی می‌کردند و محل سکونتشان سنگلاخ و حتی از آب و غذای سالم بی‌بهره بودند و ارتباطی با هم

نداشته و به جنگ و خونریزی می پرداختند».¹ این تعبیر بهترین و گویاترین ترسیم از زندگی آنها، در ابعاد فکری، علمی و اجتماعی می باشد و چنانکه گفته شده: «اگر تمام کتاب‌هایی را که این باره نوشته شده، بررسی کنیم، چیزی بیش از این مطالب نخواهیم یافت».² اما اسلام و در رأس آن پیامبر اعظم (ص) توانست، با چنین جمعی در مدت کوتاهی و از دل جهالت و بربریت تمدنی زیبا بر پایه علم و دانش بسازد، که اساس تمدنی پرشکوه و دارای گستره فراگیر و پتانسیل بالا بشود، و تا قرن‌ها در جهان تاثیرگذار باشد.

این فرایند که بر پایه علم و دانش و بر اساس مبانی محکم، عقلانی اسلامی ایجاد شده بود، علی‌رغم کارشکنی‌ها و شکست‌های بسیار سختی که در طول قرون متمادی بر آن وارد شد، هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد. در واقع این تمدن در مدت کوتاهی توانست، خود را به جهانیان معرفی نماید و دانشمندانی بی‌نظیر و تاثیرگذار به جامعه جهانی تحویل دهد. در واقع این تمدن با عظمت که در مدت کوتاهی به بلوغ و اوج خود رسید، ثمرات فراوانی برای جامعه اسلامی به همراه داشت، که تمام آنها محصول این بن‌مایه‌ها و آموزش‌های اساسی اسلام بود.

توجه به این نکته ضروری است که همه این عظمت و شکوه تمدنی با عنایت به این مطلب است، که در این تمدن، از تمام استعدادها و پتانسیل‌های موجود در دین اسلام استفاده نشده، چرا که پس از خارج شدن امر رهبری و امامت جامعه‌ای اسلامی از مسیر حقیقی خود و گرفتار شدن به بی‌راهه خلافت، از رسیدن به سر منزل مقصود و قرار یافتن در تمدنی با محوریت ائمه معصومین باز ماند و در واقع امکان استفاده از همه این استعدادها و پتانسیل‌ها وجود نداشت و جامعه اسلامی از وجود پر برکت امام معصوم محروم شده و تمدن همانگونه که نهاده شده بود، رشد و پیشرفت نکرد، چرا که خلفایی که به نام جانشین رسول خدا (ص) در مسند حکومت قرار گرفتن به هیچ وجه شباهتی به پیامبر نداشتند و خارج از مسائل حکومتی سیاسی، از علم و دانش لازم نیز بی‌بهره بودند و فعالیت‌های علمی تمدنی که در تمدن اسلامی رخ می‌داد، نیز بیشتر محصول تلاش‌های جامعه مسلمانان بود و حاکمیت کمترین نقش را در آن داشت. البته در برخی از دوره‌ها خلفای دانشمند و یا دانش‌دوستی چون هارون و مامون بودند. که به جنبش‌های علمی و تمدنی جامعه اسلامی سرعت بخشیده و مسائل علمی را در سرلوحه کار خود قرار می‌دادند.

جای آن دارد که به این نکته نیز بیاندیشیم که اگر ائمه معصومین در راس رهبری جامعه اسلامی قرار داشتند، چه تحول عظیمی در این جامعه به وجود می‌آمد، که به باور ما ترقی و پیشرفتی چشمگیر و عمیق و تمدنی با محوریت آخروی و تماماً الهی رخ می‌داد. اما چون جامعه اسلامی آمادگی لازم برای این منظور

1. ر.ک: نهج البلاغه، خطبه 26.

2. آیه الله مکارم شیرازی، پیام‌امام شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ اول، 1375 ش، ج 2، ص 106.

را نداشت و مسیر جانشینی پیامبر نیز تغییر یافته بود، امامان معصوم دریافتند که با قیام و مبارزه فیزیکی نمی‌توان به رهبری جامعه رسید و به خاطر ضعف باور و ایمان و اعتقاد مردم و عدم حمایت آنها نتیجه‌ای جز شکست و یا به خطر افتادن کیان و اصالت اسلامی در پی نخواهد داشت، لذا در یک گردش معنادار رویه دیگری که مبارزه فرهنگی باشد، را در سرلوحه کار خود قرار دادند. این رویه به چندین صورت و شکل می‌توانست، ظهور و بروز نماید. واقعیت این است که ارتباط ائمه با حاکمان اسلامی تنها مبارزه و مخالفت نبود و گاهی به صورت‌های مختلفی تعامل و همکاری با آنها صورت می‌گرفت، به ویژه که در مسائل علمی، فرهنگی و اجتماعی نیاز جامعه و حاکمیت به امام کاملاً ملموس بود. به این صورت در تمدن اسلامی نقش ویژه و معناداری برای امامان وجود دارد، که به آن کمتر توجه شده است.

ما در پی اثبات این مطلب هستیم که ائمه -در تحقیق ما امام صادق(ع)- با دارا بودن دانش الهی در این بُعد تمدن اسلامی تاثیرات ژرف و عمیقی که مبنا و اساس شمرده می‌شد، داشتند.

1- بیان مسئله:

نقش ائمه اطهار(ع) در جامعه اسلامی بسیار چشمگیر و حائز اهمیت است(حتی اگر امام معصوم در رأس جامعه نباشد) و این تفکر که آنها را تنها رهبران معنوی و یا امامان هدایت و راهنمایی هستند، با گزارش‌های تاریخی موجود و واقعیت تاریخی مطابقت ندارد. فلذا به هیچ وجه نمی‌توانیم هیچ سهمی در شکل‌گیری و توسعه تمدن اسلامی به ویژه در بعد علمی برای آنها قائل نشویم. چرا که این امر به وضوح در تاریخ زندگی ائمه دیده می‌شود و دو قرن و نیم حضور فعالانه علمی از جانب ائمه معصومین آن هم در زمانی که سرآغاز تمدن اسلامی نامیده شده، امری آشکار می‌باشد و نقش بی‌بدیل و غیر قابل انکار آنها به ویژه در عرصه‌های علمی آشکار می‌باشد. گرچه در همان زمان نیز برخی دست‌های پنهان و پیدا سعی در مخفی کردن و حتی انکار این نقش ائمه تلاش‌های زیادی کردند و تا حدودی در این امر موفق شدند، اما توجه شیعه در طول تاریخ به نقش و جایگاه ممتاز ائمه اطهار توانسته، تا حدودی به آشکارسازی این جنبه نایل گردد. متأسفانه این جنبه از حیات آنان تقریباً همیشه و حتی در حال حاضر نیز مغفول مانده و حتی سعی شده این نقش به مخالفین آنها داده شود. در حالی می‌دانیم، که تمدن اسلامی ریشه در مبانی اسلامی و الهی دارد و امامان -گذشته از مقام امامت- به عنوان عالمترین افراد جامعه اسلامی و صاحبان وسیع‌ترین مکتب‌ها و جریان‌های علمی و دارای بیشترین شاگردان در عرصه‌های مختلف علمی، نقشی بی‌بدیل و اساسی داشته‌اند. وجود فرمایشات، خطبه‌ها، نامه‌ها، آثار و حتی کتب منسوب به ائمه در این زمان برای ما گزارش شده است و میزان قابل توجهی از آنها به ما رسیده است. همچنین وجود اصحاب و شاگردان ائمه به ویژه امام صادق(ع) که در این تحقیق محور بحث آن حضرت می‌باشد، امری حائز اهمیت در جهت دهی

و شکل‌دهی خیزش علمی آن عصر می‌باشد. وجود انبوه روایات امام صادق(ع) در منابع شیعه و اهل سنت بیانگر نقش علمی حضرت در زمان خویش می‌باشد و عالمان بزرگ و امامان اهل سنت خود را مفتخر به شاگردی آن حضرت می‌دانند. همچنین باید توجه داشت، که از همین زمان و در آغاز خیزش علمی اسلامی، ورود آثار ملل مختلف، مسلمانان را با چالش عظیم علمی مواجهه کرد که در اینجا امام صادق(ع) با رهنمودهای عالمانه خویش، روش علم آموزی اسلامی را به دانشجویان علم در هر نقطه و با هر گرایش و مذهب آموزش داد، به طوری که تعداد شاگردان مکتب حضرتش را تا چهار هزار و بیشتر دانسته‌اند، همین تلاش‌های امام باعث شد، توجه به علم و دانش به عنوان یک بعد تمدنی در میان مسلمانان نهادینه شود و بعدها همین شاگردان و نسل‌های بعدی آنها توانستند، با همین بن‌مایه‌های علمی، در قرون چهارم و پنجم هجری، تمدن اسلامی و به ویژه علم و دانش اسلامی را به اوج شکوفایی برسانند. به طور حتم شناخت نظریه‌های امام صادق(ع) در زمینه چیستی علوم و شکل‌گیری و ترویج آن بسیار حائز اهمیت است، فلذا بررسی نقش امام در این نهضت علمی و میزان تاثیر گذاری ایشان در این حرکت تمدن ساز و واکاوی حیات علمی ایشان در این پژوهش دنبال خواهد شد.

2- سؤال اصلی:

نقش امام صادق(ع) در شکل‌گیری و توسعه بعد علمی تمدن اسلامی چگونه بوده است؟

3- سؤال‌های فرعی:

1. چیستی علوم انواع آن از نظر امام صادق(ع) چگونه می‌باشد؟
2. خاستگاه و مراحل شکل‌گیری علوم از نظر امام صادق(ع) چگونه می‌باشد؟
3. اهمیت و روش ترویج علوم از نظر امام صادق(ع) چگونه می‌باشد؟
4. نقش آفرینی امام در علوم نقلی، علوم عقلی و طبیعی و شاخه‌های آنها به چه میزان بوده است؟

4- عناوین فصول:

این تحقیق در چهار فصل خواهد بود:

فصل اول: علم و انواع آن از دیدگاه امام صادق(ع)

فصل دوم: شکل‌گیری علوم و مراحل آن از نظر امام

فصل سوم: روش ترویج علوم از نظر امام

فصل چهارم: نقش امام در علوم نقلی، عقلی و طبیعی

5- فرضیه تحقیق:

امام صادق(ع) در مقایسه با سایر ائمه معصومین(ع) بیشترین نقش و تاثیرگذاری را در تقویت نهضت نرم افزاری و تولید علم داشته و توانسته با استفاده از شرایط زمانی و مکانی و ویژگی‌های جامعه عصر خود مبانی و پایه‌های علمی تمدن اسلامی را بنیان گذارد و بیشترین شاگردان در عرصه‌های مختلف علمی را تربیت و به عالم انسانیت عرضه نماید.

6- ضرورت تحقیق:

با توجه به جایگاه علم و دانش در تمدن و عصر و زمانه ما که تمدن اسلامی در مرحله خیزشی دوباره قرار گرفته و یکبار دیگر نهادهای علمی و آموزشی با قدرت و سرعت زیادی فعال شده و نهضت‌های علمی و نرم افزاری در اوج خود به سر می‌برند، بسیار ضروری است که ما بدانیم، در مواجهه با ورود عناصر بیگانه تمدنی و نحوه تعامل و برخورد با آنها و در خیزش علمی چه گام‌های برداریم. از این نظر این زمان شباهت بسیار زیادی به عصر ائمه(ع) به ویژه امام صادق(ع) دارد. چرا که در آن زمان عناصر و دانش‌های تمدن‌های آن عصر به تمدن اسلامی وارد شده و در آن نقش داشتند. پس شناخت این سابقه و تجربه تاریخی به ما کمک زیادی می‌کند، به ویژه شناخت سیره ائمه که همانند سیره پیامبر برای ما الگو می‌باشد و چون امام صادق(ع) در عصر شکل‌گیری و توسعه علوم نقشی اساسی داشته است، شناخت دیدگاه‌های آن حضرت درباره این مطلب حائز اهمیت می‌باشد و نحوه برخورد ما را با عناصر تمدن امروزی مشخص می‌کند و در مرحله عمل برای ما کارگشاست. فلذا پژوهش درباره این موضوع دارای اهمیت می‌باشد.

7- پیشینه تحقیق:

از آنجا که ائمه اطهار(ع) در نظر همه مسلمانان مورد احترام و توجه بوده‌اند، درباره زندگی و حیات سیاسی، علمی آنها کارهای عظیمی صورت گرفته است. به ویژه از سوی علمای شیعه که کتاب‌های مختلفی در این باره نوشته شده است. آثاری همچون تاسیس الشیعه، اعیان الشیعه و الذریعه به برخی از زمینه‌های علمی آن حضرت پرداخته‌اند.

درباره اصحاب آن حضرت نیز به آثاری همچون کتاب «اصحاب امام صادق(ع)» از محدث زاده می توان اشاره کرد. و همچنین در این باره کتابی با عنوان «الفائق فی رواة و أصحاب الإمام الصادق» از عبدالحسین شبستری وجود دارد.

اسد حیدر از پژوهشگران معاصر چهار جلد کتاب «امام صادق و مذاهب اربعه» را در راستای معرفی امام انجام داده است که در آن نقش امام در برهه زمانی پیدایش مذاهب را به نحو شایسته ای مورد توجه و بحث قرار داده است گرچه مباحث علمی عام و تمدنی آن کمرنگ می باشد، چرا که محور آن مباحث فقهی و اصولی می باشد.

مرحوم مظفر نیز کتابی با عنوان «امام صادق(ع)» دارد. عبدالحلیم جندی نیز کتابی با عنوان «الإمام جعفر الصادق» دارد، که در آن به شخصیت امام پرداخته است. در این باره می توان به کتاب «امام صادق(ع) علم و عقیده» اشاره کرد. گرچه مباحث علمی آن کمرنگ می باشد. درباره مناظرات امام نیز کتابی با عنوان «مناظرات إمام الصادق(ع)» از حسین شاکری وجود دارد.

کتابی نیز با عنوان «امام صادق مغز متفکر شیعه» وجود دارد، که البته با توجه به عدم مقبولیت علمی کارهای مترجم محترم (ذبیح الله منصوری) این کتاب وجهه علمی چندانی ندارد. کتاب «امام جعفر صادق فی نظر علماء المغرب» نیز برگردان عربی کتاب فوق است و مورد پذیرش جامعه علمی قرار نگرفته است.

اما کتاب تحقیقی جدیدی که در این باره ارائه شده و بسیار ممتاز می باشد، از آن استاد حجت السلام و المسلمین دکتر محرمی می باشد که با عنوان «نقش ائمه اطهار(ع) در تمدن اسلامی» پژوهش و انتشار یافته و بنده افتخار دارم که در تحقیق خویش از ایشان به عنوان استاد مشاور بهره ببرم. البته این کتاب را می توان گام نخست در این وادی دانست که مربوط به همه امامان و در همه عرصه های تمدنی می باشد و به نوعی تحقیق ما ادامه در این مسیر می باشد.

لذا با توجه به موارد فوق و از آنجا که درباره این موضوع و محور پیشنهادی بنده، پژوهشی صورت نگرفته به نظر می رسد، تحقیق در این زمینه برای معرفی نقش علمی امام در حیطه تمدن اسلامی ضروری به نظر می رسد.

8- اهداف تحقیق:

اهداف علمی:

1. شناخت چیستی و انواع علوم از نگاه امام صادق(ع)

۲. بررسی خاستگاه و مراحل علوم

۳. تبیین دقیق و مستند نقش امام صادق (ع) در شکل گیری و گسترش ابعاد علمی تمدن اسلام.

۴. تاکید بر بی توجهی یا کم توجهی آثار تمدن نگار در ارتباط با نقش تمدنی امامان (ع) شیعه به ویژه امام صادق (ع).

۵. ایجاد زمینه مناسب برای مباحث مربوط به نقش تمدنی شیعیان و شاگردان امام.

اهداف کاربردی:

۱. الگوگیری از سیره معصومان (ع) در ارتباط با حرکت های تمدنی و مواجهه علمی.

۲. بهره گیری از این سابقه تاریخی برای شناخت روش و شیوه مناسب در برخورد با تمدن های دیگر به ویژه در مسائل علمی و دانش.

9- کاربرد تحقیق:

۱- تثبیت جایگاه ائمه در جامعه اسلامی

۲- اثبات جایگاه علمی ائمه در تمدن اسلامی

۳- بیان نقش ائمه در حیطه های مختلف علوم

۴- اثبات نقش گسترده شیعیان در علوم و تمدن اسلامی به واسطه شاگردی نزد امام

۵- نحوه تعامل و بیان امام با شاگردان از هر گروه و مذهب

۶- الگوگیری از سیره معصومان (ع) در ارتباط با حرکت های تمدنی و مواجهه علمی.

۷- بهره گیری از این سابقه تاریخی برای شناخت روش و شیوه مناسب در برخورد با تمدن های دیگر به ویژه در مسائل علمی و دانش.

10- روش تحقیق:

این تحقیق از گونه تحقیقات تاریخی است که در آن از روش توصیفی همراه با تحلیل محتوایی متون استفاده شده است. همچنین تلاش کردیم تا در نقل احادیث و گزارش های تاریخی به اسناد و منابع معتبر

متقدم پردازیم. به لحاظ شیوه جمع‌آوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای بوده، گر چه از نرم افزارهای رایانه‌ای هم استفاده شده است.

11- انگیزه‌های انتخاب این مسئله:

از آنجا که زمینه‌های تجدید حیات حیات و اوج‌گیری تمدن اسلامی فراهم گشته و تمدن اسلامی در مرحله خیزشی دوباره قرار گرفته، لذا بسیار ضروری است که بدانیم، در مواجهه با ورود عناصر بیگانه تمدنی و نحوه تعامل و برخورد با آنها چگونه گام برداشت. از این نظر این زمان شباهت بسیار زیادی به عصر ائمه (ع) به ویژه امام صادق (ع) دارد. چرا که در آن زمان نیز عناصر و دانش‌های تمدن‌های مجاور به تمدن اسلامی وارد شده و در آن نقش داشتند. پس شناخت این سابقه و تجربه تاریخی به ما کمک زیادی می‌کند، به ویژه شناخت سیره ائمه که همانند سیره پیامبر برای ما الگو می‌باشد و چون امام صادق (ع) در عصر شکل‌گیری و توسعه علوم نقشی اساسی داشته است، شناخت دیدگاه‌های آن حضرت درباره این مطلب حائز اهمیت می‌باشد و نحوه برخورد ما را با عناصر تمدن امروزی مشخص می‌کند و در مرحله عمل برای ما کارگشاست. فلذا پژوهش درباره این موضوع دارای اهمیت می‌باشد.

12- تعریف مفاهیم (مفهوم شناسی واژگان کلیدی)

در این تحقیق واژگان متعددی دخیل می‌باشند، که عبارتند از:

امام: امام واژه‌ای عربی و به معنای پیشوا، مقتدا، رهبر^۱ و هرچه که مورد اقتدا باشد،^۲ آمده است که از اصطلاحات خاص دین اسلام می‌باشد. این واژه به خودی خود معنی مقدسی ندارد و در قرآن هم برای

^۱. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار الصادر، ج سوم، 1414ق، ج 12، ص 25.

^۲. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، قم، هجرت، ج دوم، 1409ق، ج 8، ص 428.

پیشوایانی که مردم را به سوی خدا هدایت می‌کردند، به کار رفته و هم برای پیشوایانی که مردم را به سوی کفر هدایت می‌کردند.^۱ چنانکه راغب نیز در معنایی امام می‌نویسد: «امام کسی است که به پیشوایی او در قول و فعل اقتدا می‌شود و یا کتابی و چیزی دیگری که مورد اقتدا قرار گیرد، چه بر حق باشد و چه بر باطل». ^۲ اما گذشته از معنایی لغوی و عام این واژه باید گفت امام دارای معنی اصطلاحی و کاربرد خاص نیز در اسلام به ویژه در تشیع می‌باشد. چنانکه متکلمان بزرگ امامیه، در معنای اصطلاحی امام آن را به «ریاست دینی و دنیایی» تعریف کرده و در معنایی امام می‌نویسند: «امام، کسی است که در امور دینی و دنیایی مردم به جانشینی از پیامبر(ص) ریاستی فراگیر دارد». ^۳ از همین گروه خواجه نصیر الدین طوسی نیز معتقد است: «امام کسی است که ریاست فراگیر در امور دینی و دنیایی را اصالتاً نه به نیابت از دیگری در این دنیا به عهده دارد». ^۴

پس معنی امام در اصطلاح شیعه، عبارت است از: «کسی که پیشوا و مقتدای عالمیان در امور ظاهری و باطنی، اجتماعی و معنوی روحانی، ملکیه و ملکوتیه می‌باشد. و خداوند به وی در اثر اختیار عالی و اراده انتخابیه آن پیشوا در جمیع امور چنین مصونیت و عصمتی را موهبت فرموده است. این امامان منحصر در دوازده تن هستند: اول آنها امام علی بن ابی طالب امیر المؤمنین(ع) و آخر آنها امام زمان(عج) می‌باشد». ^۵

امام صادق(ع): ششمین امام معصوم و جانشین رسول خدا(ص) که در هفدهم ربیع الاول سال ۸۳ هجری قمری در مدینه متولد شد^۶ (برابر با ۷۰۲-۷۰۳ میلادی)^۷ و مدت ۳۴ سال امامت را به عهده داشت و با ۷ خلیفه اموی و عباسی روزگار گذرانید. کینه ایشان ابو عبدالله و لقبشان صادق می‌باشد و پدر ارجمندشان امام باقر و مادرش ام فروه است.^۸ او بیشترین سال عمر را در میان امام معصوم داشته و توانست با فرصت فراهم آمده از دوره انتقال قدرت اموی به عباسی به مسائل علمی به صورت ویژه بپردازد. همچنین تکیه

۱. سوره اِسْرَاء، آیه 71 «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ»؛ سوره فرقان، آیه 74 «وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ اِمَامًا»؛ سوره قصص، آیه 41 «وَ جَعَلْنَاهُمْ اُمَّةً يَدْعُونَ اِلَى النَّارِ».

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ج اول، 1412ق، ص 88.

۳. مفید، النکت الاعتقادیة، قم، کنگره شیخ مفید، ج اول، 1413ق، ص 39.

۴. خواجه نصیر الدین طوسی، تلخیص المحصل، بیروت، دار الاضواء، ج دوم، 1405ق، (این کتاب به‌مراه 30 رساله از خواجه چاپ شده است)، رساله امامه، ص 425.

۵. سید محمد حسین حسینی طهرانی، امام‌شناسی، مشهد مقدس، علامه طباطبائی، ج اول، 1422ق، ج 18، ص 206.

۶. مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، ج اول، 1413ق، ج 2، ص 179؛ اربلی، کشف الغمّة، تبریز، بنی هاشمی، ج اول، 1381ق، ج 2، ص 155.

۷. محمود تقی زاده داوری، تصویر امامان شیعه در دائرة المعارف اسلام، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی، ج اول، 1385ش، ص 287.

۸. کلینی، الکافی، تهران، اسلامیه، ج دوم، 1362ش، ج 1، ص 479؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، قم، انتشارات رضی، ج اول، بی تا، ج 1، ص 212.

اصلی شیعه، از نظر فکری و عقیدتی و فقهی بر امام صادق(ع) بوده و بخش بزرگی از احادیث و علوم اهل بیت توسط این امام گسترش یافته است. آن حضرت در عصر خود که عصر پدید آمدن فرقه‌ها و مکاتب مختلف بود به طور ویژه به حفظ و صیانت از مکتب شیعه پرداخت.^۱ از همین رو بیشترین احادیث شیعه در تمام زمینه‌ها از آن حضرت نقل شده و مذهب تشیع به نام مذهب جعفری خوانده می‌شود.

امام صادق(ع) در شهر مدینه زندگی می‌کرد ولی چنان که گفته شده چون بیشتر شیعیان آن حضرت در عراق بودند و یا به دلایل دیگر، مدتی در عراق به سر برده است.^۲ آن حضرت توسط منصور دوانیقی، خلیفه عباسی مسموم شد و در ۲۵ شوال ۱۴۸ هجری قمری در سن ۶۵ سالگی در مدینه به شهادت رسید و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.^۳

علم: به این واژه در گفتار اول از فصل اول به تفصیل خواهیم پرداخت.

علم امام: در اسلام برای کسب علم از دو شیوه الهامی و کسبی نام برده شده و علمی که برای عموم مردم بوده و البته در آن خطا و اشتباه وجود دارد، علم کسبی می‌باشد. اما علمی که امامان به عنوان رهبران عالی و الهی دارند، از جانب خداوند به آنها الهام شده و هیچگونه خطا و اشتباه در آن راه ندارد.^۴

در این باره گفته شده است: «علم امام از ناحیه خدای تعالی و رسول اوست و از این روست که حقایق قرآن را می‌دانند و تنزیل و تفسیر و تأویل و معانی و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و حلال و حرام و اوامر و زواجر و وعد و وعید و امثال و قصص آن را می‌دانند و آن علم به طریق رأی و قیاس حاصل نشده است، و دلیل علم الهی ایشان آن است که ائمت اسلامی اتفاق دارد که پیامبر اکرم(ص) فرمود: من در میان شما چیزی را به جا می‌گذارم که اگر به آن تمسک جوئید هرگز گمراه نشوید: کتاب خدای تعالی و عترتم که همان اهل بیت من است».^۵

در مجموع فرق‌های زیادی بین علوم ائمه و علوم سایر انسان‌ها وجود دارد، از جمله اینکه علوم دیگران اکتسابی است، ولی علوم ائمه(ع) لدنی و الهی است، علوم مردم محدود است، ولی علوم ائمه(ع) مطلق و فراگیر است، مردم از علوم غیبی برخوردار نیستند، ولی ائمه به اذن الهی از علم غیب برخوردار هستند؛

۱. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی ائمه، قم، انصاریان، چ ششم، ۱۳۸۱ش، ص ۳۲۵.

۲. همان، ص ۳۲۶.

۳. مفید، همان؛ اربلی، همان؛ فتال نیشابوری، همان.

۴. ر.ک: حسینی طهرانی، پیشین، ج ۱۸، ص ۲۴.

۵. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامیة، چ دوم، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۶۶۱.

۶. محمد حسین مظفر، علم الامام، ترجمه محمد آصفی، تبریز، میهن، ۱۳۹۰ق، ص ۱۳۹.

علوم مردم از طریق حواس ظاهری است، ولی علوم ائمه به طور عمده از راه الهام و افاضه به دست می آید، علوم ائمه حضوری است، ولی علوم مردم غیر حضوری [حصولی] است.¹

در برخی اخبار و روایات نیز تصریح شده که ائمه اطهار(ع) خزینه های علم پروردگار بوده² و همچنین در احادیث دیگری بر اینکه ائمه اطهار(ع) ورثه ی علم پیامبر(ص) و وارث جمیع پیامبران و رسولان و اولیاء العزم هستند، تاکید شده است.³

علوم اسلامی: به مجموعه ای از علوم گفته می شود که در سنت آموزش اسلامی تدریس می شود. غالباً این علوم، به دو دسته علوم عقلی و علوم نقلی تقسیم می شوند.

علوم نقلی (اسلامی): علوم نقلی علاوه بر فقه و اصول فقه، شامل سیره و تاریخ اسلام، حدیث، درایه، رجال، اخلاق، علوم قرآنی و تفسیر می باشد.

علوم عقلی (غیر اسلامی): علوم عقلی نیز رایج شامل: منطق، فلسفه، کلام، عرفان می باشد و علاوه بر آن علوم طب، ریاضیات، هیأت و نجوم هم از این باب شمرده می شود. که بعضی از این علوم نیمه عقلی نیمه نقلی هستند مثل: کلام و عرفان.

فرهنگ: واژه فرهنگ یک کلمه فارسی است و در عربی به معنای «الثقافه» آمده است و بیش از «۲۵۰» تعریف برای آن ذکر کرده اند.⁴ در برخی منابع فرهنگ را بر این معانی دانسته اند: «مجموعه آداب و رسوم، علوم و معارف و هنرهای یک قوم فرهنگ است. علم و دانش و ادب، تعلیم و تربیت و آداب نیز جزئی از فرهنگ است».⁵

1. همان، ص 115.

2. کلینی، پیشین، ج 1، ص 221. احادیث ذیل این باب: «بَابُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ عِ مَعْدِنُ الْعِلْمِ وَ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ».

3. همان، ص 223. احادیث ذیل این باب: «بَابُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ وَرَثُوا عِلْمَ النَّبِيِّ وَ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَوْصِيَاءِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ».

4. ر.ک: کتاب نقد و نظر، سال دوم، شماره 43، مقاله ویژگی های فرهنگ جامعه مدنی، غلام عباس توسلی.

5. محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، چ اول، 1375 ش، ج 2، بخش «ف».

واژه فرهنگ در زبان انگلیسی **culture** و در عربی ثقافه نامیده شده است.^۱ از طرفی این واژه در گذشته معنایی مرتبط با علم و ادب داشته اما امروزه به مجموعه آداب و رسوم، باورهای دینی، علم، هنر و اخلاقیات اطلاق می شود.^۲ چنانکه در تعریف آن گفته شده: «فرهنگ پدیده کلی پیچیده‌ای از گرداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام شکل می گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است».^۳

در برخی تعاریف نیز فرهنگ به امور طبیعی یا باورهای اطلاق شده که قابل بحث و بررسی نیستند. مانند مایکل گیلسون که فرهنگ را «مجموعه‌ای از قواعد ناشناخته و چیزهایی که به عنوان امور طبیعی گرفته می شوند و در واقع به مسائل غیرعلمی بستگی دارند» می داند.^۴ در تعریفی دیگر نیز آمده است: «فرهنگ مجموعه‌ای از سنت‌ها، آداب و اخلاق فردی یا خانوادگی اقوامی است که پابندی ایشان به این امور باعث تمایز آنها از دیگر اقوام و قبایل می شود. به عبارت دیگر، فرهنگ مجموعه باورهای فرد یا گروهی خاص است و چون باورها ذهنی اند پس فرهنگ جنبه عینی ندارد».^۵ با این اوصاف تعریف جامعی را نمی توان برای این واژه ارائه نمود، ولی از مجموع تعاریف فوق می توان مفهومی از آن را در ذهن خود ایجاد کرد.

البته باید توجه داشت که میان فرهنگ و تمدن رابطه‌ای وجود دارد و مفهوم تمدن به علت گستردگی و چندبعدی بودن در تداخل مفهومی با فرهنگ می باشد، به طوری که فهم هر یک در رابطه با دیگری بوده و در این باره نظراتی نیز وجود دارد.^۶

تمدن: واژه تمدن را از ریشه مُدُن و به معنایی «خوکردن به اخلاق شهرنشینی و رسیدن به انسانیت دانسته‌اند»^۷ که در لغت نامه دهخدا «تَخْلُقُ به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت معنا شده»^۸ و در فرهنگ معین نیز به معنایی «شهرنشین شدن و همکاری مردم یک جامعه برای ترقی و پیشرفت»^۹ آمده است.

^۱ مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۹۰.
^۲ ر.ک: داریوش آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۷۵، ص ۸؛ ذکرائه محمدی، نقش فرهنگ و تمدن در بیداری غرب، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، ج اول، ۱۳۷۳، ص ۴۶.
^۳ حسن انوری، فرهنگ روز سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۳، ص ۸۶۹.
^۴ مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ و تمدن اسلامی، پیشین، ص ۱۹۰.
^۵ علی اکبر ولایتی، تاریخ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴ش، ص ۱۹.
^۶ جولوس گولد و کولب و بلیام، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمدجواد زاهدی، تهران، نشر مازیار، ۱۳۷۶ش، ص ۲۶۷.
^۷ فؤاد افرام البستانی، فرهنگ ابجدی (ترجمه المنجد الأبجدی)، مترجم رضا مهیار، تهران، انتشارات اسلامی، چ سوم، ۱۳۷۵ش، ص ۲۵۸.
^۸ علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ دوم، ۱۳۷۷ش، ذیل واژه تمدن.
^۹ محمد معین، فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ش، ذیل واژه تمدن.

تمدن در زبان انگلیسی **civilization** و در عربی حضاره خوانده می شود و در لغت به معنای شهرنشینی و از ریشه مدینه و مدینت گرفته شده و به معنی دیگر «متخلق شدن به شهرنشینی یا خوی و خصلت شهرنشینی به خود گرفتن» می دهد.^۱ و بدان معناست که بشر در سایه آن به تشکیل جوامعی پرداخته و شهرنشین شده است. همچنین گفته شده است: «در زبان‌های بیگانه نیز کلمه تمدن **civilization** از کلمه **civita** که در مقابل وحشیگری قرار گرفته و از کلمه **civilis** که معنی شهرنشینی دارد گرفته شده است».^۲

پس واژه عربی تمدن که از واژه مدینه به معنی شهر مشتق شده معادل انگلیسی **Civilization** است که از واژه‌های **Civis** به معنای کسی که در شهر زندگی می کند و **Civitas** به معنای جامعه‌ای که فرد در آن ساکن می شود، گرفته شده است.^۳

اما در اصطلاح تمدن عبارت است از: «مجموعه دانش‌ها، هنرها و فنون و آداب و سنن، تأسیسات و نهادهای اجتماعی که در پرتو ابداعات و اختراعات و فعالیت‌های افراد و گروه‌های انسانی طی قرون و اعصار گذشته توسعه و تکامل یافته و در تمام قسمت‌های یک یا چند جامعه که باهم ارتباط دارند، رایج است، مثل تمدن اسلامی یا تمدن غربی که هر کدام دارای ویژگی‌هایی است که به عوامل جغرافیایی و تاریخی و تکنیکی خاص خود بستگی دارد».^۴

برای واژه تمدن همانند فرهنگ معانی و تعاریف گوناگونی وجود دارد، چنانکه از نظر هانتینگتون، تمدن بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می آید.^۵

در تعریفی دیگر آمده: «مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین یا حالات پیشرفته و سازمان یافته فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان آن پیشرفت در علم و هنر و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است...»^۶ تمدن گفته می شود. پس تمدن به معنای شهر و شهرنشینی بوده و در اصطلاح به عصری که انسان در زندگی خود به پیشرفت، رفاه و تحول دست یافته باشد، اطلاق می گردد.

تمدن اسلامی: هرگاه این پیشرفت‌ها بر مبنای و ایده‌های اصول اسلامی باشد، آن تمدن را اسلامی گویند. تمدن اسلامی تمدن یک ملت یا نژاد خاص نیست بلکه مقصود، تمدن ملت‌های اسلامی با نژادهای مختلف

۱. ذکر الله محمدی، پیشین، ص 45.

۲. فخرالدین حجازی، نقش پیامبران در تمدن انسان، تهران، موسسه انتشاراتی بعثت، چ دوم، 1387 ش، ص 20-19.

۳. اصغر عسگری خانقاه و محمدشریف کمالی، انسان‌شناسی عمومی، تهران، سمت، 1378 ش، ص 208.

۴. محمود روح‌الامینی، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران، نشر عطار، 1379 ش، ص 49.

۵. ساموئل هانتینگتون، نظریه برخورد تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران، 1374 ش، ص 47.

۶. حسن انوری، فرهنگ روز سخن، تهران، سخن، 1383، ص 337.

است^۱ که در سایه دین اسلام و پیوند با زبان واحد علمی تمدنی عظیم را رقم زنده و چنانکه گفته شده: «این تمدن با هنر ایرانی و رومی و سایر جوامع ترکیب گردید و تمدنی به نام تمدن اسلامی به وجود آورد».^۲

گرچه تمدن اسلامی دوره‌های مختلفی را طی کرده است،^۳ اما شکی نیست که این تمدن بیش از همه تمدن‌ها به علم و دانش بها داده و با تلفیق علوم گوناگون و افزودن بر آنها میراث عظیم و تکامل یافته‌ای را تحویل بشریت داد. از همین رو شاید بتوان گفت منظور از تمدن اسلامی مجموعه افکار، عقاید، علوم، هنرها و صنایع است که با الهام از آموزه‌های دینی توسط مسلمین پدید آمده است.

^۱ مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۹۱.

^۲ احمد تاج بخش، تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا صفویه، شیراز، نوید شیراز، چ اول، ۱۳۸۱ش، ص ۹۹.

^۳ ر.ک: آندره میکس، اسلام و تمدن اسلامی، ترجمه حسن فروغی، تهران، سمت، چ اول، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۲۰.